

Investigating the Relationship between Protection of Minorities And Regional Peace and Security in Islam and International Law

Received: 2016/02/09; Accepted: 2016/07/02

Mostafa Fazaei¹
Mousa Karami²

Abstract:

Maintenance of international peace and security seems to be impossible without having regional peace and security, which itself is dependent upon the stability and security in national societies. The historical upheavals demonstrate that the protection of minorities is essential for regional and international stability, peace and security, and discrimination against persons belonging to these groups, always has subjected internal stability and regional and international peace and security into serious danger. Both the principal philosophy of Tribute Contract in Islam and the instrumental aim of minorities' protection system are to prevent war and conflict between persons belonging to minorities and those of majority populations in the light of territorial integrity of the states, and consequently maintenance of regional and international peace and security. Therefore, due to securing peace and security, minorities should be protected and the enjoyment of these groups from their rights must be assured. The authors in this article believe that protection of minorities and guarantying their rights and resorting to pacific approach of Islam regarding the co-existence of different social groups, as a principal instrument for preventing the outbreak of ethnic conflicts, is of vital importance for the maintenance of regional peace and security..

Keywords: Minorities, International Law, Islam, Minority Protection, Ethnic Conflicts, Regional Peace and Security.



1. Associate Professor of International Law at the University of Qom (Corresponding Author)
Email: fazaei2007@gmail.com/ m-fazaei@qom.ac.ir
2. Graduate (M.A.) in International Law at the University of Qom.

تابلی بر نسبت میان حمایت از اقلیت با صلح و امنیت منطقه‌ای در اسلام و حقوق بین الملل

تاریخ دریافت ۹۴/۱۱/۲۰ - تاریخ پذیرش ۹۵/۴/۱۲ مصطفی فضائلی^۱
موسی کرمی^۲

چکیده

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی جز از طریق تأمین صلح و امنیت منطقه‌ای که آن هم خود منوط به وجود ثبات و امنیت در جوامع داخلی است، ناشدنی به نظر می‌رسد. فراز و فرودهای تاریخ حاکی از آن است که حمایت از اقلیت‌ها برای تأمین ثبات، صلح و امنیت بین‌المللی ضروری بوده و تبعیض علیه اشخاص متعلق به این گروه‌ها، همواره ثبات داخلی و صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را در معرض خطرات جدی قرار داده است. فلسفه وجودی اصلی تشریح عقد ذمه در دین اسلام، همانا ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقلیت‌های دینی و اکثریت مسلمان در جامعه اسلامی است. همچنین، هدف ابزاری نظام حمایت از حقوق اقلیت‌ها، پیشگیری از جنگ و درگیری میان اشخاص متعلق به اقلیت‌ها و گروه‌های اکثریت کشورهای مختلف در پرتو حفظ یکپارچگی سرزمینی دولت‌ها و در نتیجه حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ پس برای تأمین صلح و امنیت منطقه‌ای، باید از اقلیت‌ها حمایت به عمل آورد و بهره‌مندی این گروه‌ها از حقوق خویش را تضمین نمود. نگارندگان در این نوشته بر این باورند که حمایت از اقلیت‌ها و تضمین حقوق آن‌ها در حقوق بین‌الملل و تأسی به رویکرد اسلامی مبتنی بر زیست جمعی مسالمت‌جویانه گروه‌های مختلف اجتماعی، به مثابه راه‌کاری اصولی و پیشگیرانه در برابر بروز منازعات قومی، در تحقق صلح و امنیت منطقه‌ای، از اهمیتی حیاتی برخوردار است.

واژگان کلیدی: حمایت از اقلیت‌ها، حقوق بین‌الملل، اسلام، منازعات قومی، صلح و امنیت منطقه‌ای.





۱. مقدمه

صلح و امنیت متاعی است که ارزان به دست نمی‌آید؛ برای داشتن جامعه‌ای پویا و شکوفا، باید در اندیشه ایجاد صلح و امنیت پایدار بود (Serto, 2013: 8). حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عنوان یکی از مقاصد بیان‌شده در منشور ملل متحد، جز از طریق تأمین صلح و امنیت منطقه‌ای^۱ که آن هم خود منوط به وجود ثبات و امنیت در جوامع داخلی است، غیرممکن به نظر می‌رسد. یکی از عوامل به چالش کشیده شدن توسعه و همگرایی ملی^۲ و انسجام اجتماعی^۳ در داخل (Mbowura, May 2014: 109) و به خطر افتادن صلح و امنیت منطقه‌ای، منازعات قومی^۴ است. منازعه قومی، هر منازعه خشونت‌آمیز پایداری است که در آن اقلیت‌های ملی، قومی یا مذهبی یا دیگر گروه‌های اجتماعی دولت‌ها را در راستای ایجاد تغییرات اساسی در وضعیت موجود به چالش می‌کشند (Horowitz, 1985: 57). چنان که در این تعریف پیداست، منازعات قومی تنها به منازعات اقلیت‌ها و گروه‌های قومی محدود نمی‌شود، بلکه منازعه دیگر گروه‌ها نظیر اقلیت‌های مذهبی و مانند آن با دولت را نیز در بر می‌گیرد. در دوران پس از جنگ سرد، قومیت^۵ به سازه‌ی محوری و اساسی درگیری‌های مسلحانه مبدل شد (Joireman, 2003: 1) و حل و فصل و مدیریت منازعات قومی به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های امنیتی تبدیل گردید. (Houten & Wolff, 2005: 2)

حقوق اقلیت‌ها از موضوع‌های مهم جامعه بین‌المللی و یکی از دغدغه‌های مهم در گفتمان عدالت حقوقی است (بهادری جهرمی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). فراز و فرودهای تاریخ حاکی از آن است که حمایت از اقلیت‌ها برای تأمین ثبات، صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است و تبعیض علیه اشخاص متعلق به این گروه‌ها، همواره ثبات داخلی و صلح و امنیت [منطقه-

1 regional peace and security
2 national development and integration
3 social cohesion
4 ethnic conflicts
5 ethnicity





ای] و بین‌المللی را با خطرات جدی و جبران‌ناپذیر روبرو ساخته است (Inter-Parliamentary Union, 19 April 1996: Introduction). منع تبعیض، یکی از اصول بنیادین نظام بین‌المللی حقوق بشر به شمار می‌رود. گفتنی است ادیان الهی، بر اساس آموزه‌ای راستین، خود از حامیان اصلی تحقق حقوق بشر بوده‌اند و دین مبین اسلام در این زمینه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نگاهی به فهرست مباحث مطروحه در گفتمان حقوق بشر گویای میزان قرابت و مطابقت آنها با آرمان‌های مکتب انسان‌ساز اسلام است (آقایی، ۱۳۷۶: ۴-۵). یکی از اصول بدیهی آموزه‌های اسلامی، اصل «صلح» و «سلیم» در روابط فردی و اجتماعی و در قلمروهای گوناگون زندگی است (موسوی، ۱۳۹۴: ۱۵).

واژه اسلام در بردارنده‌ی معنای سلامت و احساس امنیت و آرامش است و اعلام سلام قبل از هر کلام، از روشن‌ترین آداب دینی است و همه مسلمانان موظف هستند محیط و فضای درونی امت اسلامی را بر پایه سلیم آراسته سازند (همان: ۱۵). به دیگر سخن، گرایش به صلح و تساهل و مدارا و برپایی امنیت و ایجاد آرامش، در گُنه وجودی و ذات دین اسلام و آموزه‌های اسلامی جای دارد. از دیگر سوی، شالوده اصلی نظام فعلی حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل کنونی به دوران جامعه ملل و معاهدات صلح^۱ بین کشورهای غالب و مغلوب باز می‌گردد. برپایی نظام حقوق اقلیت‌ها در معاهدات صلح پس از جنگ جهانی اول بیانگر این نکته است که از این سامانه به عنوان ابزاری در خدمت صلح در جوامع استفاده شده است (عزیزی، ۱۳۸۵: ۲-۳). به دیگر سخن، همواره بین صلح - و به تبع آن، امنیت - در جوامع و رعایت حقوق اقلیت‌ها رابطه‌ای مستقیم و دوسویه برقرار بوده است.

نقض حقوق اقلیت‌ها و در پی آن وقوع کشمکش و درگیری در جوامع مختلف را می‌توان عنصری پایدار در روابط میان گروه اکثریت و اقلیت در تمام ادوار تاریخی دانست (عزیزی، همان: ۱). بر اساس مطالعات انجام‌شده، از میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد، تنها دوازده کشور وجود دارند که از جمعیت متجانس فرهنگی برخوردارند و مابقی کشورها یک یا چند گروه فرهنگی را در خود جای داده‌اند (Mohammadzadeh, 2016: 163). یکی از ویژگی‌های جمعیتی خاورمیانه و غرب آسیا حضور اقلیت‌های قومی و مذهبی در این منطقه است. اکثر مرزهای خاورمیانه، تحمیلی‌اند، و نه طبیعی و منطبق بر واقعیت‌های قومی یا جغرافیایی منطقه. بنابراین در هر کدام از واحدهای سیاسی، یک یا





چند اقلیت قومی و یا مذهبی در کنار اکثریت جمعیت قرار گرفته‌اند. افزون بر این، به علت وجود خویشاوندان هم‌نژاد در کشورهای مجاور، هر گونه تنش و درگیری قومی در یک کشور، پیامدها و تبعات منفی در کشورهای همسایه خواهد داشت و صلح و امنیت منطقه-ای و بین‌المللی را به مخاطره خواهد افکند (فضائلی و کرمی، پیشین: ۲۸). نگارندگان در این نوشته بر این باورند که تأسی به رویکرد اسلامی مبتنی بر زیست جمعی مسالمت‌جویانه در قبال گروه‌های مختلف اجتماعی و حمایت از اقلیت‌ها و تضمین حقوق به رسمیت-شناخته‌شده‌ی اعضای این گروه‌ها در حقوق بین‌الملل، نقشی کارآمد و رابطه‌ای مستقیم با تأمین صلح و امنیت منطقه‌ای دارد.

۲. نگاهی کوتاه به فلسفه وجودی^۱ نظام حمایت از اقلیت‌ها در اسلام و حقوق بین‌الملل

مسأله اقلیت‌ها یکی از مسائل محوری اندیشه‌ی پسانوگرا (پُست‌مدرن) است که بر پذیرش سنت‌ها و فرهنگ‌های بومی و محلی تأکید می‌کند (بیات و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۸-۱۲۵). افراد متعلق به اقلیت‌ها پیش از وابستگی به این گروه‌ها، انسان هستند. بنابراین، این افراد به عنوان انسان، از حقوق بنیادین مقرر شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر برخوردارند؛ چنان که انسان از آن جهت که انسان است، مستحق داشتن این حقوق می‌باشد. بر مبنای این تحلیل، نقض این حقوق بنیادین و امتناع از به رسمیت شناختن آن برای اقلیت‌ها، پیش از آن که نقض حقوق اقلیت‌ها باشد، نقض حقوق بنیادین انسان است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۴۱۱). امروزه رعایت کرامت انسانی و حقوق بشر به عنوان سپر پاسداری از این کرامت، از اصول بنیادین نظم اجتماعی به حساب می‌آید و حکومت‌ها در این خصوص، تکلیفی سرنوشت‌ساز و حیاتی دارند. به همین خاطر، اساساً مشروعیت حکومت‌ها را نیز باید با رعایت کرامت بشری و حقوق برگرفته از آن ارزیابی نمود (قماش، ۱۳۹۰: ۸۲). این امر از چنان اهمیتی برخوردار است که موجب شده است پاسداشت حقوق ذاتی بشر، از جمله اصول و بنیان‌های نظم جهانی و پایه‌های صلح بشری محسوب گردد. (عبداللهی و عبداللهی، ۱۳۹۳: ۴۵).

تأکید بر والایی و کرامت انسان در ادیان الهی، حقیقتی است که این ادیان و به ویژه اسلام را با آرمان‌های حقوق بشر پیوند می‌دهد. حقوق بشر، روایت تازه‌ای از حقوق طبیعی



1 raison d'être= reason of being



است و حقوق طبیعی خود چیزی نیست جز تعبیری دیگر از حقوق فطری یا الهی (موحد، ۱۳۸۲: ۶۰). یکی از اهداف بزرگ انبیای الهی و به ویژه پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص)، پاسداشت کرامت انسانی تمامی ابناء بشر، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، و برپایی عدالت بوده است (شریعتی، پاییز ۱۳۸۵: ۱۲۳). اقلیت‌ها در اندیشه سیاسی اسلام و آراء فقها و مجتهدان اسلامی، از احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و مقوله اقلیت‌ها یکی از جدی‌ترین مسائل دین اسلام از آغاز پیدایش آن است (Ghanea, 2012: 58). در نظام حقوقی اسلام، تنها گروه‌های اقلیت‌شناسایی شده (به رسمیت شناخته شده)، اقلیت‌های دینی یا همان پیروان ادیان الهی یهودی، مسیحی و زرتشتی هستند. پیروان این ادیان که به «اهل کتاب» موسوم‌اند، با انعقاد قرارداد ذمه، شایسته عنوان «شهروند» در قلمرو دولت اسلامی می‌گردند. اسلام و منبع اصلی آن یعنی قرآن کریم، به دلیل احترام خاصی که برای پیامبران الهی قائل است، پیروان واقعی آنها که سرستیز با جامعه اسلامی نداشته باشند را نیز محترم می‌شمارد و در زیر چتر حمایتی حکومت اسلامی می‌داند (Yusuf, 2007: 16). از دیدگاه حقوقی، آیه جزیه (آیه ۲۹ سوره مبارکه توبه) متضمن پیمانی است میان مسلمانان و اهل کتاب و آنچه در این آیه آمده، همان حکم خداوند است (حسینی نژاد، ۱۳۷۳: ۲۳). به باور فقهای عالیقدر اسلامی، هدف از دریافت جزیه از اهل کتاب نفع مادی نیست، بلکه این بهترین شیوه‌ای است که می‌توان با اهل کتاب، پیمان ترک مخاصمه منعقد ساخت و در صلح و آشتی به سر بُرد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۹۷). به دیگر سخن، فلسفه وجودی اصلی تشریح عقد ذمه در دین اسلام، همانا ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقلیت‌های دینی و اکثریت مسلمان در جامعه اسلامی است.^۱

۱. شیخ مفید از فقهای قرن پنجم (م: ۴۱۳) در باره فلسفه تشریح جزیه می‌نویسد: فلسفه تشریح جزیه، حفظ جان و مال اهل ذمه است. علاوه بر این، جزیه باعث می‌شود آنان برده به شمار نیایند. شیخ مفید، محمد بن نعمان، المقنعة، (قم، دفتر انتشارات اسلامی) ۲۶۹، و همچون شهروندان دولت اسلامی با مسلمانان در صلح و امنیت همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند. برخی صاحب نظران درباره فلسفه اصلی این مالیات چنین نوشته‌اند که دفاع از موجودیت و استقلال و امنیت یک کشور وظیفه همه افراد آن کشور است، بنابراین هرگاه جمعی عملاً برای انجام این وظیفه قیام کنند، و عده‌ای دیگر به خاطر اشتغال به کسب و کار نتوانند در صف سربازان قرار گیرند وظیفه گروه دوم این است که هزینه جنگجویان و حافظان امنیت را به صورت یک مالیات سرانه در سال بپردازد. گواه دیگر اینکه در اسلام جزیه بر مسلمانان لازم نیست، زیرا جهاد بر همه واجب است و به هنگام لزوم همگی باید در میدان نبرد در برابر دشمن حاضر شوند، اما چون اقلیت‌های مذهبی از شرکت در جهاد معاف‌اند بجای آن باید جزیه بپردازند، تا از این طریق در حفظ امنیت کشور اسلامی که در آن آسوده زندگی می‌کنند سهمی داشته باشند. برای نمونه جهت





بی تردید، نظام حمایت از حقوق اقلیت‌ها، در چهارچوب نظام بین‌الملل حقوق بشر قرار می‌گیرد (FCNM, 1995: art. 1) و تا اندازه‌ای مکمل آن است؛ اما به خاطر ویژگی‌های متفاوت و متمایز نظام حقوق اقلیت‌ها، باید آن را از دریچه دیگری نسبت به نظام عام حقوق بشر نگریست. خصیصه‌ی آسیب‌پذیری گروه‌های اقلیت موجب گردیده است که افراد متعلق به این گروه‌ها، برای حفظ کرامت انسانی و نیل به برابری ماهوی^۲، افزون بر حمایت‌های صورت گرفته از بشر در حقوق بین‌الملل، نیازمند حمایت‌ها و حقوق خاص خود نیز باشند. در این راستا، اصل منع تبعیض، به مانند یک پل، نظام عام حقوق بشر را با نظام حقوق اقلیت‌ها، پیوند می‌دهد. کمیسیون فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌های ملل متحد^۳ در اولین نشست خود در سال ۱۹۴۷ میلادی، این دو را چنین از هم متمایز می‌کند:

۱. «پیشگیری از تبعیض، عبارت از پیشگیری از هر عملی است که رفتار برابر^۴ را، که افراد یا گروهی از افراد خواستار آنند، انکار می‌کند.»
 ۲. «حمایت از اقلیت‌ها عبارت از حمایت از گروه‌های غیرحاکمی است که، در عین حال که به طور کل خواستار [بهره‌مندی از] رفتار برابر با اکثریت هستند، خواهان اقدامات رفتاری متفاوت نیز می‌باشند تا خصایص بنیادینی را که دارا بوده و آنان را از اکثریت جمعیت [جامعه‌ی میزبان] متمایز می‌نمایند حفظ کنند» (UNSCPDPM, 1947: section v).
- هرچند رعایت اصل منع تبعیض، از خواسته‌های اصلی اقلیت‌ها بوده و از بنیان‌های اصلی نظام حقوق بشر است، اما حقوق اقلیت‌ها تنها با رعایت این اصل تأمین نمی‌گردد و باید از حقوق و مزایایی ویژه نیز بهره‌مند شود. بهره‌مندی اقلیت‌ها از حقوق خاص، به معنای بهره‌مندی آنان از حقوق بیشتر نیست، بلکه عدالت ماهوی حکم می‌کند که این گروه‌ها، به خاطر ویژگی‌های خاص و متمایز خود نسبت به افراد عادی، از این حقوق برخوردار شوند (فضائلی و کرمی، پیشین: ۱۰۶). در نظام بین‌الملل حقوق بشر، منع تبعیض

اطلاع بیشتر در این باره نک. تفسیر المنار ج ۱۰ صفحه ۲۹۴؛ تفسیر نمونه، چاپ سی و دوم ج ۷ ص. ۴۲۰؛ کلانتری، عای اکبر، الجزیه و احکامها، موسسه نشر اسلامی، طبع اول، ۱۴۱۶ ه ق، ص. ۱۱ و ۲۸.

1 vulnerability

2 substantive equality

3 The United Nations Sub-Commission on the Prevention of Discrimination and the Protection of Minorities (UNSCPDPM)

4 equality in treatment



و برابری را می‌توان دو روی یک سکه دانست، که یکی جنبه‌ی سلبی^۱ و دیگری جنبه‌ی ایجابی^۲ دارد. بدین معنا که برابری آنگاه حاصل می‌شود که تبعیض نباشد و هنگامی تبعیض وجود دارد که برابری نباشد. از همین مبدأ است که می‌توان به اهمیت منع تبعیض در حمایت از حقوق اقلیت‌ها پی برد؛ چون این قاعده، ستون اصلی خیمه‌ی نظام حمایت از اقلیت‌هاست (همان: ۱۱۲). رعایت اصل منع تبعیض مستلزم آن است که به گروه‌های آسیب‌پذیر و افراد وابسته به آنها توجه ویژه‌ای شود؛ ناگفته پیداست که بیشتر قربانیان تبعیض، ضعیف‌ترین گروه‌های جامعه می‌باشند (Banning et al, 2004: 91). به علت وضعیت ویژه و آسیب‌پذیری گروه‌های اقلیت و وضعیت متزلزل و نامستقر آنان، تعهد دولت به رعایت برابری همگان در برابر قانون، (منع تبعیض و برابری شکلی)، به تنهایی برای حمایت از اقلیت‌ها کافی نیست و نیل به برابری ماهوی، مستلزم اقدامات ویژه و مثبت برای رفع کاستی‌های اجتماعی، اقتصادی (و فرهنگی) اقلیت‌ها، از سوی دولت است. (عزیزی، همان: ۱۵۳)

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی^۳ در نظریه مشورتی صادره مورخ ۶ آوریل سال ۱۹۳۵ در قضیه مدارس اقلیت‌های یونانی در آلبانی صادر، که طی آن، مفاد اعلامیه ۱۹۹۲ ملل متحد در خصوص اشخاص متعلق به اقلیت‌های قومی یا ملی، مذهبی و زبانی را جلوه‌گاه این حقوق دانست، زیربنای فکری نظام حمایت از اقلیت‌ها را به خوبی پایه‌ریزی و تثبیت نمود؛ چون این گونه مقرر داشت: «تأمین امکان همزیستی مسالمت‌آمیز اقلیت‌ها با دیگر جمعیت‌ها ضمن حفظ خصیصه‌های مختص به خود، و برای نیل به این اهداف، نخست اقلیت‌ها باید از تمامی حقوق سایر اتباع دولت، به صورت برابر و بدون تبعیض بهره‌مند گردند و سپس امکانات و ملزومات بایسته برای حفظ ویژگی‌ها و سنت‌های مخصوص به خویش را در اختیار داشته باشند». به باور دیوان، این دو ضرورت با هم مرتبط هستند، زیرا برابری واقعی میان اکثریت و اقلیت به وجود نخواهد آمد، مگر آن که اقلیت‌ها از نهادهای مختص به خویش بهره‌مند باشند و در نتیجه مجبور نشوند از آنچه که حیات آنها به مثابه اقلیت را تشکیل می‌دهد صرف نظر نمایند. (ذوالعین، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴: ۴۴۴-۴۴۳)



1 negative
 2 positive
 3 Permanent Court of International Justice (PCIJ)



منع تبعیض شکلی، که برای حصول برابری در نظام عام حقوق بشر کافی می‌نماید و کارآمدی مناسبی دارد، در نظام حقوق اقلیت‌ها توانایی برطرف‌سازی و شکوفایی نیازمندی‌ها و توانمندی‌های ویژه‌ی افراد متعلق به اقلیت‌ها را، که برخاسته از تفاوت‌های این افراد با افراد عادی است، دارا نیست. اگر در نظام حقوق بشر هرگونه تمایز و برتری بر مبنای خاستگاه قومی، نژاد، جنسیت، زبان، مذهب و غیر آن تبعیض‌آمیز به حساب آمده و ممنوع است، عدم لحاظ ویژگی‌های افراد متعلق به گروه‌های آسیب‌پذیر همچون اقلیت‌ها نیز به تبعیض غیرمستقیم که گاه از آن با عنوان تبعیض ماهوی^۱ یاد می‌شود (CESCR, 2 July 2009: para. 9) ختم می‌گردد. به همان اندازه که رفتار برابر با افراد در موقعیت‌های برابر ستودنی است و عادلانه، رفتار برابر با افراد در موقعیت‌های نابرابر نکوهیده است و به دور از عدالت. به دیگر سخن، باید با افراد در موقعیت‌های متفاوت رفتاری متفاوت داشت؛ در همین راستا، باید با افراد متعلق به اقلیت‌ها که در موقعیتی آسیب‌پذیرتر نسبت به جامعه‌ی اکثریت قرار دارند، رفتار متفاوتی با افراد متعلق به اکثریت داشت و اقداماتی مثبت به نفع آنان اتخاذ کرد. بدیهی است که رفتار متفاوت و اقدام مثبت به نفع اشخاص متعلق به اقلیت‌ها در مقایسه با اکثریت را نباید تبعیضی علیه اکثریت تلقی نمود؛ چه آن که این رفتار و اقدام در راستای نیل به برابری ماهوی و منع تبعیض غیرمستقیم یا ماهوی است. (فضائلی و کرمی، پیشین: ۱۲۱)

۳. علل و دلایل اصلی بروز منازعات قومی

تنوع قومی^۲ پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خاصی دارد (Gilley, 2004: 1155). یکی از این پیامدها، احتمال بروز درگیری‌ها یا منازعات بین‌قومی است. پس از جنگ سرد، جنگ‌های بین‌دولتی کاهش و درگیری‌های داخلی افزایش یافته‌اند؛ به گونه‌ای که بیش از ۹۰ درصد از مخاصمات مسلحانه در شمار جنگ‌های داخلی قرار گرفته‌اند (Paris, 2004: 1). منازعات قومی عمده‌ترین شکل بی‌ثباتی سیاسی در جوامع چندقومیتی در خلال نیمه دوم سده بیستم و آغاز سده کنونی بوده‌اند (Mohammadzadeh, Op.cit: 156). این منازعه‌ها، یکی از تهدیدهای اصلی علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی

1 substantive discrimination
2 ethnic diversity



هستند. نمونه‌های این درگیری‌ها را در منطقه بالکان، چین، اندونزی، سریلانکا، هند، دارفور سودان، کرانه باختری، نوار غزه، عراق، ترکیه و غیر اینها شاهد بوده و هستیم (Ibid: 116). بر اساس برخی آمارها، ۹۱ مورد از ۹۶ جنگ وقوع یافته در دوران پس از جنگ سرد تا سال‌های پایانی سده بیستم، درگیری‌های بین‌قومی بوده‌اند که در خلال آنها، بیست میلیون نفر جان خود را، که بزرگ‌ترین موهبت الهی است، از دست داده‌اند. (Peck, 1998: 25-29)

البته، بررسی مبانی نظری منازعات قومی، هدف اصلی این نوشتار نیست. در این بخش، تنها به مهم‌ترین عوامل بروز منازعه‌های قومی میان اقلیت و اکثریت اشاره خواهد شد و دیگر جنبه‌های بروز این پدیده، همچون عوامل و دلایل روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و غیر آن، به متخصصان فن واگذار می‌گردد. ارائه تبیین جامعی از عوامل مؤثر بر درگیری‌های قومی دشوار می‌نماید، زیرا تنوع گروه‌های قومی و چالش‌های موجود در حوزه روابط قومی در جهان بسیار متنوع است. تاریخ حقوق اقلیت‌ها، در میان دسته‌های مختلف حق‌های بشری، پیوندی نزدیک با منازعات خشونت‌آمیز دارد (Chapman, 2008: 1-3). در نوشتگان علوم سیاسی، از سه نوع منازعه قومی نام برده شده است: منازعه قومی درون‌گروهی، منازعه قومی میان اقلیت و دولت میزبان، و منازعه میان دو یا چند گروه اقلیت (Lebamoff and Ilievski, 2008: 1-3). آنچه در این مقاله مطرح نظر است، نوع دوم منازعات یعنی منازعه قومی میان اقلیت‌ها و دولت میزبان می‌باشد. از علل و شرایط ساختاری بروز منازعات سیاسی و درگیری‌های داخلی بین اقلیت و اکثریت از جمله می‌توان ناکامی در تضمین دسترسی برابر به منابع و به ویژه زمین، انزوای سیاسی گروه‌های اقلیت، توسعه‌نیافتگی سیاسی-اجتماعی، تبعیض فرهنگی و نژادی و... را نام برد (Srinivasan, September 2006: 5). پژوهشگران، عوامل بروز منازعات قومی را به چهار دسته عامل تقسیم کرده‌اند: مؤلفه‌های ساختاری (ضعف دولت مرکزی، نگرانی‌های امنیتی داخلی و جغرافیای قومی)، مؤلفه‌های سیاسی (نهادهای سیاسی تبعیض‌آمیز، ایدئولوژی‌های انحصارگرایانه ملی، سیاست‌های قومی و سیاست نخبگان)، مؤلفه‌های اقتصادی/اجتماعی (نظام اقتصادی تبعیض‌آمیز) و مؤلفه‌های فرهنگی/ادراکی^۱ (تبعیض فرهنگی علیه اقلیت‌ها و





تاریخ گروه‌های قومی و جداسازی خود از دیگری) (Brown, 1996: 573)؛ (Atanassova, 1999: 19-28).

در یک نگاه کلی به این چهار عامل عمده، می‌توان عوامل ایجاد درگیری و تنش میان گروه‌های اقلیت و جامعه اکثریت و حاکم را در یک عامل اصلی و بنیادین خلاصه نمود، و آن «تبعیض» است. تبعیض در زمینه‌های سیاسی (عدم مشارکت مقتضی در نظام سیاسی کشور) (Khmelko and Wiegand, 2010: 9)، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی علیه اقلیت‌ها، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، اصلی‌ترین علت وقوع خیزش‌ها و منازعات قومی است (Stoel, 19 October 1999: 3). جامعه‌ای اقلیتی که از بخش اعظم حقوق و آزادی‌ها منع شده، می‌تواند به راحتی بستر و دستاویزی برای حرکت‌های رادیکال و خشونت‌بار شود (چگنی و آثار تمر، ۱۳۸۸: ۲۱۶). با پایان یافتن جنگ سرد، موج ناسیونالیسم قومی، هویت‌جویی، عدالت‌خواهی و درخواست برخورداری از حقوق برابر در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراگیر شد. آنگاه که گروه‌های اقلیت با بی‌اعتنایی و بی‌توجهی دولت‌ها روبرو شدند، برای نیل به خواسته‌های خویش به گزینه نظامی و رویکرد مسلحانه متوسل گردیدند (عزیزی، پیشین: ۴-۳). بکارگیری رویکردهای نظامی و سرکوبگرانه به منظور حل بحران‌های قومی، افزون بر آن که زمینه‌ساز مداخله کشورهای خارجی است، ابعاد داخلی بحران را نیز تشدید نموده و امکان دستیابی به راه‌حل مسالمت‌آمیز را دورتر می‌سازد. از دیگر آثار و تبعات منفی اتخاذ چنین رویکردی، ایجاد فرصت برای مداخله‌ی قدرت‌های جهانی در منطقه است (چگنی و آثار تمر، پیشین: ۲۱۰) که صلح و امنیت منطقه‌ای را بیش از پیش به مخاطره می‌افکند و به گواه تاریخ، موجبات تشدید و گسترش منازعات قومی را فراهم می‌آورد. (Mozingo, 2015: 20-34)

۴. لزوم تضمین حقوق و رفتار اسلامی با اقلیت‌ها در پیشگیری از منازعات قومی به مثابه ابزاری در خدمت تأمین صلح و امنیت منطقه‌ای

امروزه بحث از ستیزه‌های قومی و تأثیرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از اهمیت شایانی برخوردار است. یکی از علل توجه و اهتمام ویژه‌ی جامعه‌ی بین‌الملل به این نوع منازعات، به خطر افتادن صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ناشی از گسترش و تعمیق منازعات مسلحانه‌ی قومی و جنگ‌های داخلی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۲: ۲۴). دلایلی چند برای تبدیل





منازعات داخلی به منازعات بین‌المللی و منطقه‌ای وجود دارد که اهم آنها سرایت درگیری‌ها به دیگر کشورهای همسایه و یا روانه شدن سیل پناهندگان ناشی از این درگیری‌ها به این کشورها است؛ چالشی که می‌تواند صلح و امنیت و ثبات منطقه را برهم زند (جکسون، ۱۳۸۲: ۳۱-۳۰). برای نمونه، یکی از کشورهای که همواره در معرض خطر سرایت درگیری‌های گروه مسلح حزب کارگران کردستان موسوم به «پ.ک.ک.»^۱ از کشور ترکیه به سرزمین خویش بوده و بعضاً متحمل خسارات جانی و مالی نیز شده، جمهوری اسلامی ایران است. وجود نیروهای پ.ک.ک.ک. در مناطق غرب و شمال غرب کشور، و افزون بر آن، تشکیل گروهک تارشگری (تروریستی) پژاک^۲ به عنوان شاخه‌ی ایرانی پ.ک.ک.، نه تنها موجب ناامنی اجتماعی در استان‌های واقع در این مناطق شده، بلکه امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران را نیز با خطری جدی روبرو نموده است. (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۵: ۲۱۴)

همان‌گونه که در بخش پیشین بحث شد، علت اصلی تشدید و برانگیختگی احساسات قومی، و در پی آن، افزایش احتمال بروز خشونت‌های بین‌قومی را باید در تبعیض و احساس تبعیض جست‌وجو نمود. برخی اندیشمندان و صاحب‌نظران عرصه منازعات قومی، ظهور این پدیده را در پیوندی تنگاتنگ با زوال دموکراسی در جوامع محل وقوع آن می‌دانند (Horowitz, ibid: xvii). سند پایانی نشست جهانی ملل متحد در سپتامبر ۲۰۰۵ بر این نکته تأکید دارد که ارتقاء و حمایت از حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی موجب تحقق صلح و ثبات سیاسی و اجتماعی می‌گردد و تنوع و میراث فرهنگی جامعه را غنا می‌بخشد (UN, 2005: 128, clause 130). بذل توجه تمام و کمال به دغدغه‌های گروه‌های اقلیت، در هر دو بُعد عملیاتی و ساختاری پیشگیری از منازعات داخلی، از اهمیت حیاتی برخوردار است. (Srinivasan, ibid:2)

همانگونه که گذشت، یکی از معانی اسلام، صلح و یکی از نام‌های خداوند، سلام به معنای صلح است و شعار مسلمانان نسبت به عموم انسان‌ها در هنگام ملاقات با آنان، سلام، یعنی اظهار صلح است؛ همچنان که هدف و دعوت تمام ادیان الهی و پیامبران، برقراری صلح در همه سطوح جامعه و جهان است (موسوی، پیشین: ۳۵). اصل دوستی، اصل برابری، اصل عدالت و اصل رعایت حقوق و آزادی‌های انسانی از جمله اصولی هستند که انسان‌های مسلمان باید در خصوص اقلیت‌های موجود در جامعه اسلامی رعایت کنند



1 Partiya Karkeren Kurdistan (P.K.K) (Kurdish)= Kurdistan Workers' Party

۲ پارٹی ژبانی نازادی کوردستان (کُردی)= حزب حیات آزاد کردستان



(ضیایی بیگدلی، پیشین: ۱۰۴). هم‌البته می‌توان گفت منشأ لزوم پابندی مسلمانان و دولت اسلامی به مفاد عقد ذمه در قبال اقلیت ذمی، همانا در ایجاد امنیت و صلح پایدار در جامعه و پایایی حکومت اسلامی نهفته است. این الگو می‌تواند، با تطبیق و انطباق بر شرایط کنونی جوامع بشری و متناسب با اقتضائات زمانی و مکانی، در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حمایت از اقلیت‌ها، الگویی برای پیروی باشد.

امروزه تردیدی نیست که میان رعایت حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها به عنوان بخشی از نظام بزرگ حقوق بشر بین‌المللی و حفظ صلح و امنیت، چه در بعد داخلی و چه در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی، پیوندی مستقیم وجود دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان نظام حمایت از حقوق اقلیت‌ها را به مثابه ابزاری برای پیشگیری از جنگ و درگیری میان اشخاص متعلق به اقلیت‌ها و گروه‌های اکثریت کشورهای مختلف در پرتو حفظ یکپارچگی سرزمینی دولت‌ها و در نتیجه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دانست. (عزیزی، پیشین: ۹)

برای نخستین بار در منشور ملل متحد بود که میان احترام به حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی پیوندی بنیادین و هدفمند برقرار شد. این تفکر، از گذشته وجود داشته که علت اولیه‌ی هر جنگی، بی‌عدالتی است (ساعد و کیل، ۱۳۹۱: ۱۳۵).^۱ به دیگر سخن، بروز درگیری و منازعه‌ی مسلحانه، معلول بی‌عدالتی است؛ چالشی که از عدم رعایت مطلوب حقوق بشر حکایت دارد. تشویق و تبلیغ ارزش‌های یک گروه قومی یا مذهبی و تهدید و لگدمال کردن ارزش‌های گروه‌های قومی یا مذهبی دیگر، زمینه را برای ترویج بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌های اجتماعی و نارضایتی‌های قومی در یک سازه‌ی ناهمگن و سرانجام ظهور کشمکش‌ها و بحران در یک چارچوب سرزمینی تعریف شده به نام کشور مهیا می‌نماید. (محرابی و غم‌پرور، ۱۳۹۰: ۱۸۷)

۱. البته، گاهی نیز اجرای عدالت خود زمینه بروز جنگ و منازعه شده و می‌شود، زیرا در هر جامعه‌ای بوده و هستند افراد و گروه‌های زیاده‌طلبی که عدالت را بر نمی‌تابند و در مقابل آن سرسختی و مقاومت نشان می‌دهند؛ تا جایی که گاه در جهت مطامع نامشروع خود حاضراند انسان‌هایی را به خاک و خون بکشند و حرث و نسل را قربانی خواهش‌های نفسانی خویش کنند. تاریخ شواهد و نمونه‌هایی از این قبیل را به ما نشان می‌دهد؛ از جمله جنگ‌هایی که در برابر آرمان‌های انسانی و الهی پیامبران و پیشوایان بزرگ دین به راه افتاده قابل تأمل است. البته نادانی را هم باید عامل دیگری دانست که مزید بر علت بوده است. به یاد بیاوریم جنگ‌هایی که علیه پیامبر اسلام (ص) و نیز امیر مومنان علی بن ابیطالب (ع) به راه انداختند و نهایتاً ایشان را به تعبیری بخاطر شدت عدالتش در محراب عبادت به شهادت رساندند. رک. جرج جرداق، علی صدای عدالت انسانی، نشر فراهانی، تهران، ۱۳۴۴ ش.، ج ۱. شایان ذکر است که چنین وضعیتی اصولاً از سوی خواص دارای قدرت نسبی، بروز می‌یابد، و نه اقلیت‌ها که علی‌الاصول در موقعیت غیرحاکم و فرودست و آسیب‌پذیر قرار دارند.



در گفتمان اسلام سیاسی - فقهاتی، یکی از دلایل اصلی تشکیل حکومت اسلامی و از اهداف مهمی که چنین حکومتی جهت تحقق آن تلاش می کند، هدف «عدالت» است. اهمیت عدالت در این گفتمان تا به آنجاست که «عدل» یکی از اصول پنج گانه دین اسلام به شمار می آید (نقل شده در: آجیلی و اسمعیلی اردکانی، ۱۳۹۲: ۱۴۳-۱۴۲). عدالت و امنیت، دو مفهوم بنیادین در اندیشه سیاسی اسلام به شمار می رود. نبود عدالت در جامعه موجب پیدایش و گسترش تبعیض، ستم، فساد و فقدان وفاق عمومی می شود. جامعه ای که از تبعیض و بی عدالتی آکنده گردد، از فضیلت وفاق و همبستگی فاصله می گیرد و به سوی از هم پاشیدگی و اضمحلال می رود (بهرروز، ۱۳۹۲: ۶-۲). در پیش گرفتن سیاست مصالحه ای و تساهل آمیز از سوی دولت در قبال فرهنگ و مظاهر هویتی اقلیت ها، حتی اگر به ناحیه گرایی^۱ منجر شود، آن ناحیه گرایی از نوع مثبت خواهد بود و موجبات تقویت همبستگی و اقتدار ملی و همگرایی سیاسی را فراهم خواهد آورد. در مقابل، اتخاذ سیاست های خصمانه در مقابل تفاوت های فرهنگی و هویتی اقلیت ها موجب ناحیه گرایی از نوع منفی می گردد و بر آیندی غیر از کاهش همبستگی و اقتدار ملی و واگرایی سیاسی ندارد. (همان: ۱۹۰)

میان تبعیض و عدالت رابطه ای وارونه وجود دارد؛ به این مفهوم که هر کجا تبعیض باشد، عدالت نیست و هر جایی عدالت مراعات گردد، اثری از تبعیض نخواهد بود. عدالت اقتضاء دارد که حقوق اقلیت ها تضمین گردد. از سویی، صلح پایدار تنها در بستر عدالت است که امکان استقرار خواهد یافت، پس به منظور پیشگیری از بی ثباتی و بروز جنگ های داخلی باید از اقلیت ها حمایت به عمل آورد و در اجرای عدالت و احقاق حقوق آنان کوشید. از این روی، نبود صلح در جامعه نشانگر و معلول نبود عدالت در آن جامعه است. آشتی و صلح پایدار ممکن نیست، مگر این که عوامل ریشه ای بی عدالتی از میان برداشته شوند. به باور ما، میان تبعیض علیه اقلیت ها و بروز منازعات قومی یک رابطه علت و معلولی وجود دارد. ریشه معلول را باید در علت آن جست و جو نمود و برای حذف یک معلول می بایست علت آن را از میان برداشت. تبعیض علیه اقلیت ها، علت است و معلول آن، منازعه قومی است؛ پس یکی از طرق پیشگیری از وقوع منازعه میان اقلیت ها و اکثریت حاکم، همانا از میان برداشتن یا دست کم کاهش همه انواع تبعیض علیه گروه های اقلیت است.





رعایت و تضمین حقوق اقلیت‌ها افزون بر نقش انکارناپذیری که در پیشگیری از بروز منازعات قومی دارد، موجب حفظ تنوع فرهنگی جامعه میزبان - و به تبع آن - جهان می‌گردد. قدرت هر تمدن به اندازه میراثی است که به آن معنا می‌بخشد. از دیدگاه اسلام، خدای متعال، اگرچه آدمیان را در کرامت ذاتی همسان و در فطرت آدمیت و رتبت انسانی برابر آفریده است، در همین حال تعدد السنه و تنوع الوان فرزندان آدم را از نشانه‌های خود معرفی فرموده و تكثر اقوام و ملل را به اراده خویش منتسب ساخته است (فضائلی و کرمی، پیشین: ۷۷). در اثبات این معانی کافی است تنها به ذکر چند آیه شریفه از آیات نورانی قران کریم تبرک جست. در آیه‌ی شریفه ۷۰ از سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء در باب کرامت ذاتی ابنای بشر می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا».

برخورداری انسان از عقل و اهمیت جایگاه عقل در اندیشه‌ی سیاسی اسلام^۱، شمول-گرایی، برخورداری انسان از جایگاه خلیفگی خداوند و کرامت انسانی، مساوات، خداجویی فطری، اراده و اختیاری که خداوند به انسان داده و همچنین نظام منطقی ارزشمندی که بر مبنای ایمان و عمل صالح برای او رقم خورده است، دستیابی به همبستگی را در عین کثرت فرهنگی و قومی، میسر می‌سازد. مطلوب هر جامعه‌ای برخورداری از ملتی است همبسته که در کنار هم، همزیستی مسالمت‌آمیز دارند (فضائلی و کرمی، پیشین: ۷۸). اسلام در جهت همبستگی جوامع دارای تعدد فرهنگی، برنامه‌ای مشخص دارد و راه‌های رسیدن به آن را برای انسان آشکار ساخته است. در آیه شریفه ۲۲ از سوره مبارکه روم در مورد تنوع و تفاوت‌های افراد چنین فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَالاَلْوَانِكُمْ اِنَّ فِى ذَالِكُمْ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ».

چنان‌که از این آیه‌ی شریفه بر می‌آید، خداوند یکتا تفاوت در زبان و رنگ آدمیان را هم‌ردیف با آفرینش آسمان‌ها و زمین، از نشانه‌های خویش دانسته که ارزش آنها بر اندیشمندان پوشیده نیست. این آیه نشان از آن دارد که اسلام تفاوت‌های موجود بین آفریده‌های الهی را نه تنها به عنوان یک واقعیت اجتماعی پذیرفته است، بلکه فراتر از آن، آنها را دارای ارزش ذاتی می‌داند که از طریق آن می‌توان به وجود آفریننده بی‌همتا و به حکمت او پی بُرد و در طریق خودشناسی و خداشناسی گام برداشت (فضائلی و کرمی،



۱ برای آگاهی بیشتر از اندیشه سیاسی دین مبین اسلام ر.ک. به: حسن عباس حسن، ۱۳۸۹، ساختار منطقی اندیشه سیاسی در اسلام، برگردان مصطفی فضائلی، قم، بوستان کتاب.



پیشین: ۷۹). آیه شریفه ۱۳ از سوره مبارکه ی حجرات در باره تکثر و تنوع اقوام و ملل با اشاره به حکمت آن این گونه می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ».

این آیه نیز به وجود تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای بین افراد بشری اشاره دارد و از آن به عنوان یک واقعیت آفرینش یاد می کند؛ لکن در بخش پایانی خود هر گونه برتری طلبی و کسب امتیاز بر اساس قبیله و قوم و مرد یا زن بودن را نفی می کند و به صراحت بیان می دارد که تنها سنجه‌ی برتری یکی بر دیگری، پروا و تقوای الهی است. خاستگاه اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بیان می دارد «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» همین آیه است. افزون بر این، آیه‌ی شریفه ۱۱۸ از سوره‌ی مبارکه‌ی هود در بیان نشانه‌بودن تفاوت انسان‌ها و ارزش این گوناگونی، اجتناب‌ناپذیر بودن آن به مثابه ضرورت حکمت آفرینش و انتساب آن به مشیت الهی بیان می دارد: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ».

در بخش نخستین این آیه‌ی شریفه، به یکی از سنن آفرینش که در واقع زیربنای سایر مسائل مربوط به انسان است اشاره شده و آن مسأله‌ی اختلاف و تفاوت در ساختمان روح و جسم و فکر و ذوق و عشق انسان‌ها، و مسأله‌ی آزادی اراده و اختیار است. اصولاً ارزش و امتیاز انسان و مهم‌ترین تفاوت او با موجودات دیگر، بهره‌مندی از همین موهبت آزادی اراده و اختیار است. همچنین داشتن ذوق‌ها و سلیقه‌ها و اندیشه‌های گوناگون و متفاوت که هر کدام بخشی از جامعه را می‌سازد، و بُعدی از ابعاد آن را تأمین می‌کند.

از آیات یادشده چنین می‌توان برداشت نمود که اسلام فرهنگ‌ها، باورها، ادیان، مذاهب، اقلیت‌ها و قومیت‌های ناسازگار با اندیشه‌ی اسلامی را به عنوان یک واقعیت پذیرفته و به رسمیت شناخته است و برای آنان موجودیت مشروع (مجاز) قائل می‌باشد و هرگز کسی را به پذیرش اندیشه‌ی اسلام وادار نمی‌کند (لا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ، بقره، ۲۵۶). حد و مرزها و اشتراکاتی که برای اقسام آزادی، عدالت و امنیت در اسلام مطرح می‌گردد، نشان از نوعی وحدت و همبستگی اجتماعی دارد و با وجود سنجه‌های مد نظر این دین الهی، اسلام در عین قبول تنوع و شناسایی تفاوت‌های دیگر قومیت‌ها و فرهنگ‌ها، بر وحدت و اشتراکات موجود بین آنان نیز تأکید می‌نماید.

دیدگاه اسلامی ضمن پذیرش این تفاوت‌ها به عنوان صفت جدایی‌ناپذیر و انکارناشدنی جوامع، فایده‌هایی را نیز برای این تنوع و تفاوت‌ها مترتب می‌داند؛ اما طبیعی





است که فعالیت‌های ضد اسلامی در جهت حذف اسلام را مشروع نمی‌داند. به نظر می‌رسد اسلام در بین دیدگاه‌هایی که در دنیا در خصوص تنوع فرهنگی و قومی وجود دارد، دیدگاه و الگوی وحدت متکثر (وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت) را می‌پذیرد (فضائلی و کرمی، پیشین: ۸۰). بدیهی است چنین رویکردی به تنوع فرهنگی موجود در جوامع، با کاهش و زدودن نارضایتی‌های گروه‌های اقلیت، از بروز درگیری میان اقلیت‌ها و اکثریت پیشگیری کرده و موجبات تحکیم امنیت داخلی و صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌آورد.

اصولاً داعیه تنوع فرهنگی و لزوم حفظ و حراست از آن از سوی گروه‌های در اقلیت و آسیب‌پذیری که فرهنگ خویش و مظاهر آن را در معرض خطر فراموشی و نابودی می‌بینند، مطرح می‌شود. به همین خاطر است که در حقوق بین‌الملل کنونی، حق افراد بر بهره‌مندی از فرهنگ خویش، اساساً در متون و مقررات مربوط به حقوق اقلیت‌ها و مردمان بومی مورد شناسایی واقع شده است (Xanthaki, 2010: 26). «تنوع فرهنگی به مثابه منبع مبادله، نوآوری و خلاقیت، همانند حیاتی بودن تنوع زیستی برای [بقای] طبیعت، [شرط مانایی و پایایی] نوع بشر است. در این مفهوم، تنوع فرهنگی، «میراث مشترک بشریت» است که باید آن را برای منفعت نسل‌های کنونی و آینده به رسمیت شناخت و تصدیق نمود» (UNESCO, 2001:art. 1). افزون بر این، تنوع فرهنگی، عنصر تشکیل‌دهنده و شرط مهم آزادی انسان است؛ چون پیش‌نیازهای حیاتی آزادی انسان را به صورت خودآگاهی، خودانتقادی و خودشفاف‌سازی تأمین می‌نماید و این امر خود یک ارزش ذاتی است و نیرویی سازنده در مسیر بالندگی و ارتقای تعاملات میان فرهنگی به شمار می‌رود (Parekh, 2005: 166). چندفرهنگ‌گرایی^۱ مؤلفه‌ای [ضروری] در همگرایی و تقویت همبستگی اجتماعی در کل است، نه زمینه‌ای برای چندپاره‌شدن و ایجاد گسست در جامعه (Pineschi, 2012: 36). به دیگر سخن، همبستگی ملی تنافی و تباینی با تنوع‌ها و تفاوت‌ها ندارد و بلکه نیازمند آن است. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۷۹۶)

نتیجه

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی جز از طریق تأمین صلح و امنیت منطقه‌ای، که تحقق آن نیز منوط به وجود ثبات و امنیت در جوامع داخلی است، غیرممکن به نظر می‌رسد. فراز و




 فرودهای تاریخ حاکی از آن است که حمایت از اقلیت‌ها برای تأمین ثبات، صلح و امنیت بین‌المللی ضروری بوده و تبعیض علیه اشخاص متعلق به این گروه‌ها، همواره ثبات داخلی و صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را با خطرات جدی و جبران‌ناپذیر روبرو ساخته است. اسلام و منبع اصلی آن یعنی قرآن کریم، به دلیل احترام خاصی که برای پیامبران الهی (ع) قائل است، پیروان واقعی آنها که سرستیز با جامعه اسلامی نداشته باشند را نیز محترم می‌شمارد و در زیر چتر حمایتی حکومت اسلامی قرار می‌دهد. فلسفه وجودی اصلی تشریح عقد ذمه در دین اسلام، همانا ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقلیت‌های دینی و اکثریت مسلمان در جامعه اسلامی است. از این رو، هدف از دریافت جزیه از اهل کتاب نفع مادی نیست، بلکه این بهترین شیوه‌ای است که می‌توان با اهل کتاب پیمان ترک مخاصمه منعقد ساخت و در صلح و آشتی به سربرد. اسلام در بین دیدگاه‌هایی که در دنیا در خصوص تنوع فرهنگی و قومی وجود دارد، دیدگاه و الگوی وحدت متکثر (وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت) را می‌پذیرد. بدیهی است که چنین رویکردی به تنوع فرهنگی موجود در جوامع، با کاهش و زدودن نارضایتی‌های گروه‌های اقلیت، از بروز درگیری میان اقلیت‌ها و اکثریت پیشگیری کرده و موجبات تحکیم امنیت داخلی و صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌آورد.

شالوده اصلی نظام فعلی حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل کنونی به دوران جامعه ملل و معاهدات صلح بین کشورهای غالب و مغلوب باز می‌گردد. برپایی نظام حقوق اقلیت‌ها در معاهدات صلح پس از جنگ جهانی اول نشان می‌دهد از این سیستم به عنوان ابزاری در خدمت ترویج صلح در جوامع گوناگون استفاده شده است و همواره بین صلح و به تبع آن امنیت در جوامع و رعایت حقوق اقلیت‌ها رابطه‌ای مستقیم و دوسویه برقرار بوده است. تبعیض در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی علیه اقلیت‌ها، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، اصلی‌ترین علت وقوع خیزش‌ها و منازعات قومی میان گروه‌های اقلیت و جامعه اکثریت و حاکم است.

نظر به این که صلح و امنیت منطقه‌ای پیوندی مستقیم و ناگسستنی با ثبات سیاسی و اجتماعی در جوامع داخلی دارد، و با توجه به این که یکی از عوامل ایجاد ناپایداری سیاسی و گسست اجتماعی و ناامنی در کشور، بروز منازعات میان گروه‌های اقلیت با جامعه‌ی اکثریت (اکثریت حاکم) است، و با عنایت به این امر که تبعیض علیه اقلیت‌ها، در همه انواع آن، زمینه‌ساز و عامل اصلی خیزش‌ها و قیام‌های اقلیت علیه حاکمیت و جمعیت اکثریت و وقوع منازعات قومی است، لذا باید نتیجه گرفت که میان رعایت حقوق اقلیت-





ها، منع تبعیض علیه این گروه‌ها و حمایت از ایشان از یک سو و تأمین صلح و امنیت منطقه‌ای از سوی دیگر، رابطه مستقیم وجود دارد. از میان برداشتن ریشه‌های تبعیض علیه گروه‌های اقلیت، و حمایت از موجودیت و هویت آنها، با از میان برداشتن علت‌العلل و مستمسک اصلی بروز منازعات قومی، موجبات ثبات سیاسی و امنیت داخلی کشورها را فراهم می‌آورد و یکی از مهم‌ترین چالش‌های صلح و امنیت منطقه‌ای را به‌خصوص در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا، نه تنها حل و فصل، بلکه به فرصتی برای ایجاد صلح و امنیت پایدار تبدیل می‌نماید.

رویکرد اسلام به اقوام، ملل و آحاد بشر، با اعتقاد به اشتراک در ذات، ارزش و کرامت انسانی و مقام خلیفه‌اللهی و نیز دعوت به همگرایی پیروان ادیان مختلف حول مشترکات، الگویی منطقی و معقول را برای همزیستی و تعامل میان اقوام گوناگون در جوامع بشری ارائه داده است. می‌توان گفت که منشأ لزوم پایبندی مسلمانان و دولت اسلامی به مفاد عقد ذمه در قبال اقلیت ذمی، همانا ایجاد امنیت و صلح پایدار در جامعه و پایایی حکومت اسلامی است. این الگو می‌تواند، با تطبیق و انطباق بر شرایط کنونی جوامع بشری و متناسب با اقتضات زمانی و مکانی، در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حمایت از اقلیت‌ها مورد تاسی قرار گیرد.

منابع

* قرآن کریم

۱. آجیلی، هادی؛ اسمعیلی اردکانی، علی، ۱۳۹۲ش، عدالت و امنیت ملی در روابط بین‌الملل: رویکردی اسلامی، مطالعات راهبردی، س ۱۶، ش ۳، مسلسل ۶۱.
۲. آقایی، بهمن، ۱۳۷۶ش، فرهنگ حقوق بشر، چ ۱، تهران، گنج دانش.
۳. بهادری جهرمی، علی، ۱۳۹۱ش، بررسی حقوق اقلیت‌های دینی و نژادی در حکومت پیامبر اسلام (ص)، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، س ۱، ش ۲.
۴. بهروز، جواد، ۱۳۹۲ش، رابطه عدالت و امنیت در قرآن و سنت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۵. بیات، عبدالرسول و دیگران، ۱۳۸۶ش، فرهنگ واژه‌ها: درآمدی بر اندیشه‌ها و مکاتب معاصر، چ ۳، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۶. بشیریه، حسین، ۱۳۸۲ش، عقل در سیاست، بی‌چا، تهران، نگاه معاصر.





۷. پیشگاه هادیان، حمید، ۱۳۸۲ش، مبانی نظری و تئوریک مطالعاتِ منازعات مسلحانه‌ی قومی در افریقا و ابعاد آن، در: شورای غیردولتی روابط خارجی مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران (گردآوری)، کتاب آفریقا ۱: ویژه‌ی منازعات مسلحانه، (نظارت و تدوین: حمید پیشگاه هادیان)، چ ۱، تهران، انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۸. جکسون، ریچارد، ۱۳۸۲ش، منازعات خشونت‌آمیز بین‌المللی و کشورهای آفریقایی: به سوی چارچوب تحلیلی، ترجمه اسدالله اطهری؛ در: شورای غیردولتی روابط خارجی مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران (گردآوری)، کتاب آفریقا ۱: ویژه‌ی منازعات مسلحانه، تحت نظارت و تدوین حمید پیشگاه هادیان، چ ۱، تهران، انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۹. چکنی‌زاده، غلامعلی؛ آثار ترم، محمد، ۱۳۸۸ش، تحرکات قومی‌گردها و امنیت ملی ترکیه، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، س ۱، ش ۲.
۱۰. حسینی‌نژاد، حسینقلی، ۱۳۷۳ش، حقوق کیفری بین‌الملل اسلامی، چ ۱، تهران، میزان.
۱۱. ذوالعین، نادر، ۴-۱۳۷۳ق، حمایت از حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، تحقیقات حقوقی، ش ۱۵.
۱۲. رشید رضا، محمد، ۱۳۶۸ق، تفسیر المنار، ج ۱۰، چ ۲، مصر، دارالمنار.
۱۳. وکیل، امیرساعده، ۱۳۹۱ش، حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی، چ ۲، تهران، مجد.
۱۴. شریعتی، روح‌الله، ۱۳۸۵ش، حقوق اقلیت‌ها در حکومت نبوی، علوم سیاسی، س ۹، ش ۳۵.
۱۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۴ش، اسلام و حقوق بین‌الملل، چ ۷، تهران، گنج دانش.
۱۶. عبداللهی، معاذ؛ عبداللهی، جوانمیر، ۱۳۹۳ش، نسل‌زدایی فرهنگی، بی‌چا، تهران، مجد.
۱۷. عزیززی، ستار، ۱۳۸۵ش، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، چ ۱، همدان، نور علم.





۱۸. فضائلی، مصطفی؛ کرمی، موسی، ۱۳۹۵ش، حمایت از حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی در حقوق بین‌الملل: با نگاهی به وضعیت کردها در ترکیه، چ ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۹. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، ۱۳۸۸ش، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر اول، چ ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۲۰. قماش، سعید، ۱۳۹۰ش، کرامت انسانی، راهبرد نوین سیاست جنایی، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید، ش ۱.
۲۱. کلانتری، علی‌اکبر، ۱۴۱۶ق، الجزیه و احکامها، الطبعة الأولى، قم، موسسه نشر اسلامی.
۲۲. محرابی، غلیرضا؛ غم‌پرور، احمد، ۱۳۹۰ش، عوامل مؤثر بر واگرایی کردها و بحران در کردستان ترکیه، فصلنامه ژئوپولیتیک، س ۷، ش ۲.
۲۳. مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۳۶۹ش، المقنعة، بی‌چا، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، بی‌تا، تفسیر نمونه، ج ۷، چ ۳۲، قم، کتابخانه امیرالمؤمنین.
۲۵. موحد، محمدعلی، ۱۳۸۲ش، در خانه اگر کس است، بی‌چا، تهران، نشر کارنامه.
۲۶. موسوی، سید فضل‌الله، ۱۳۹۴ش، اسلام پیام‌آور صلح و دوستی؛ برداشت‌هایی از دیدگاه اسلام در خصوص صلح با اشاره‌ای به اسناد حقوق بین‌الملل، چ ۳، تهران، خرسندی.
27. Atanassova, Ivanka Nedeva, 1999, The Impact of Ethnic Issues on the Security of South Eastern Europe (Report), Commissioned by the NATO office of Information and Press.
28. Banning, Theo van et al, 2004, Human Rights Reference Handbook; prepared for the University for Peace Africa Programme Curriculum Development Workshop for the Western African Region, Abuja, Nigeria, University for Peace.
29. Brown, Michael, 1996, "The Causes and Regional Dimension of Internal Conflict", in Brown, Michael (ed.), The International Dimensions of Internal Conflict; Cambridge, MA: MIT Press: 571-602.
30. CESCR, 2 July 2009, General Comment No. 20: Non-Discrimination in Economic, Social and Cultural Rights (art.2, para. 2), E/C.12/GC/20.
31. Chapman, Chris, September 2006, Why a Minority Rights Approach to Conflict: The Case of Southern Sudan (Report), MRGI. Available at: www.minorityrights.org





32. Council of Europe, 1995, Framework Convention for the Protection of National Minorities (FCNM), for html format see: <http://www.Conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/157.htm>
33. Ghanea, Nazila, 2012, "Are Religious Minorities Really Minorities?", Oxford Journal of Law and Religion, Vol. 1, No. 1: 57-79.
34. Gilley, Bruce, 2004, "Against the Concept of Ethnic Conflict", Third World Quarterly, Vol. 25, No. 6: 1155-1166.
35. Horowitz, D.L., 1985, Ethnic Groups in Conflict; Berkley, CA, University of California Press.
36. Houten, Pieter van and Wolff, Stefan, 2005, "International Organizations and the Settlement of Ethnic Conflicts in the Western Balkans: Common Goals and Different Approaches?", (2005), Paper presented in the Third ECPR Conference, Budapest, 8-10 September, Panel 23-24.
37. Inter-Parliamentary Union, 19 April 1996, The Protection of Minorities as a Global Issue and a Prerequisite for Stability, Security and Peace, Resolution Adopted without a vote by the 95th Inter-Parliamentary Conference, Istanbul.
38. Joireman, Sandra, (2003), Nationalism and Political Identity, New York, Continuum.
39. Khmelko, Irina and Wiegand, Krista E., (2010), "Government Repression in Ethnic Conflict, Institutional Incentives and Cultural Legacies", International Journal on World Peace, Vol. 27, No. 2.
40. Lebamoff, Mary Frances and Ilievski, Zoran, (2008), "The Ohrid Framework Agreement in Macedonia, Neither Settlement nor Resolution Conflict?", Conference Papers-International Studies Association.
41. Mbowura, Cletus Kwaku, May 2014, "Inter-Ethnic Conflicts and their Impacts on National Development, Integration and Social Cohesion: A Study of the Nawuri-Gonja Conflict in Northern Ghana; International Journal of Humanities and Social Science, Vol. 4, No. 7(1): 108-118.
42. Mohammadzadeh, Hossein, (2016), "The Causes of Ethnic Conflicts in Multi-ethnic Societies", World Scientific News, 42: 156-166. Available at: www.worldscientificnews.com
43. Mazingo, Druanna M., May 2015, An Analysis of the Factors that Influence Ethnic Conflict and Minority Violence in the Western Balkans; BA Thesis in Political Science, The University of Southern Mississippi.
44. Parekh, Bhikhu, (2005), Dialogue between Cultures, Democracy, Nationalism and Multiculturalism; UK, Frank Cass Publications.
45. Paris, Roland, (2004), At War's End: Building Peace after Civil Conflict; London, Cambridge University Press. Peck, C., (1998), Substantial Peace: The Role of the UN and Regional rganizations in Preventing Conflict, U.K., Rowman and Littlefield Publication.
46. Pinechi, Laura, (2012), "Cultural Diversity as a Human Right? General Comment No. 21 of the Committee on Economic, Social and Cultural Rights, in: Silvia Borelli, Federico Lenzerini (eds.),



- Cultural Heritage, Cultural Rights, Cultural Diversity; Boston/Leiden: Martinus Nijhoff Publishers.
47. Serto, Leban, (2013), "Learning World Views among Ethnic Groups Using the Peace Counts on Tour for Peace Education and Conflict Transformation- Experiences from Field and Advocacy", Paper Presented in Peace Practitioners' Research Conference.
 48. Srinivasan, Sharath, September 2006, Minority Rights, Early Warning and Conflict Prevention: Lessons from Darfur (Report), MRGI. Available at: www.minorityrights.org
 49. Stoel, Max van der, 19 October 1999, "Human Rights, the Prevention of Conflict and the International Protection of Minorities: A Contemporary Paradigm for Contemporary Challenges", Paper presented in: Centre for the Study of Human Rights, London School of Economics.
 50. UN, 2005, 2005 World Summit Outcome; New York, UN Publications.
 51. UNSCPDPM, 1947, UN Doc. E/CN.4/52 Section V (Sub-commission, 1st session 1947).
 52. UNESCO, 2001, Universal Declaration on Cultural Diversity; full text is available at: http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13179&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
 53. Xanthaki, Alexandra, 2010, "Multiculturalism and International Law: Discussing Universal Standards", Human Rights Quarterly, 32: 21-48.
 54. Yusuf, Rizwana, (2007), "World Conventions and Minority Rights", Paper presented in Symposium on Minorities in the Globalization Era, 1-3 May 2007, Libya: Institute of Hazrat Mohammad (SAW).



صالحہ برڈس نیٹ ورک
پیش قدمی حقوق اسلام و ذریعہ



